



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۲۱۹ |

تکته‌ها/ آیت الله مرتضیٰ تهرانی

قسم ۱۱

پروردگار

در اهمیت تزکیه

۲

یک روز همراه دانش آموزان جهادگر دبیرستان علوم و معارف امام رضا(ع)

تمرین سبک زندگی مؤمنانه

۴

نویسنده کتاب «بینایی» از مشغول ماندن اصحاب غیر بنی هاشم امام حسین(ع) در کتاب‌های آیینی می‌گوید

فتح خون با شهدای غیرهاشمی عاشورا

۲

چگونه از میزبانی عراق در ایام اربعین قدردانی کنیم؟

۳

اربعین

با مشارکت مردم و حمایت آستان قدس رضوی انجام می‌شود

خدمت به زائران اربعین در آن سوی مرز



با مشارکت مردم و حمایت آستان قدس رضوی، خادمان و خادمیان رضوی همزمان با ایام اربعین حسینی، ۴۰ موکب برای میزبانی از زائران حسینی در کشور عراق برپا خواهند کرد. این ۴۰ موکب همگی به‌همت دلدادگانی از مشهد مقدس و مجاوران حضرت رضا(ع)، در عراق برپا خواهد شد و آستان قدس رضوی، حمایت مادی و معنوی از آن‌ها را بر عهده خواهد داشت تا با طبخ غذا و توزیع آب آشامیدنی، از زائران حسینی پذیرایی کنند و در هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن این حماسه جهانی مشارکت داشته باشند. براساس برنامه‌ریزی انجام شده، از این ۴۰ موکب ۱۷ موکب در شهرهای مختلف و در مسیر تشریف به کربلای معلی برپا خواهد شد. نقطه مرزی شلمچه از مسیر خوزستان و گذرگاه مرزی زرباطیه از مسیر مرز مهران، دو نقطه مرزی ایران و عراق است که نخستین موکب‌ها در این نقاط برپا خواهد شد همچنین با هدف ارائه خدمت گسترده به زائران حسینی ۲۳ موکب مردمی با مشارکت خادمان و خادمیان رضوی و پشتیبانی مادی و معنوی آستان قدس، در شهر کربلا برپا می‌شود. شایان ذکر است بنیاد کرامت رضوی و کانون‌های خادمیاری رضوی در سراسر کشور، به نمایندگی از آستان قدس رضوی و همه دلدادگان حضرت رضا(ع)، مسئولیت حمایت از برپایی موکب‌های اربعین حسینی را عهده‌دار شده‌اند و در روزهای پیش رو، میزبان آن‌ها خواهند بود.

بدرقه معلم اخلاق تا گلستان شهدا

پیکر مطهر آیت الله ناصری با حضور پرشکوه مردم اصفهان و مسئولان کشوری و لشکری تشییع شد



۴

درباره زندگی و خدمات آیت الله العظمی سیدشهاب الدین مرعشی نجفی

ناجی میراث مکتوب

شهر قم، به خاک سپرده شد.

■ **عمری پاسداری از میراث معنوی جهان اسلام**
آیت الله مرعشی نجفی، شخصیتی جامع‌الاطراف داشت و در حوزه‌های گوناگون علمی و فرهنگی فعالیت می‌کرد. با این حال، شاید برجسته‌ترین اقدام او که پس از رحلتش نیز، به مثابه باقیات‌الصالحات باقی ماند و هزاران پژوهشگر و محقق را از برکات خود بهره‌مند می‌کند، تأسیس کتابخانه بسیار جامع و ارزشمند وی است. این کتابخانه، به دلیل داشتن نسخه‌های خطی کمیاب و منحصر به فرد، شهرت جهانی دارد. آیت الله مرعشی نجفی کار جمع‌آوری آثار خطی را از دوران تحصیل در نجف اشرف آغاز کرد؛ زمانی که طلبه جوانی بود با دیدن تلاش غربی‌ها برای غارت ثروت معنوی و میراث مکتوب مسلمانان، به فکر پاسداری

به خرید کتاب‌های خطی می‌پرداخت. بسیار پیش می‌آمد که غذایی برای رفع گرسنگی نداشت و چند روزی را بدون خوردن حتی لقمه نانی سپری می‌کرد تا بتواند هزینه خرید کتابی را تأمین کند. آیت الله مرعشی نجفی، گاه در حاشیه و پشت کتاب‌های خطی خریداری شده، وضعیت و شرایطی را که در آن به خرید کتاب پرداخته‌بود را شرح می‌داد. او پشت کتاب «کشف اللغات و الاصطلاحات» اثر علامه عبدالرحیم هندی نوشته‌است: «این کتاب را با مزد دو سال نماز استیجاری که به نیابت از مرحوم میرزا محمد بزاز تهرانی قبول کرده‌ام، به مبلغ بیست روپیه بریتانیایی خریداری کردم. خداوند توفیق بر انجام کار دهد، شروع نماز از ابتدای روز ۲۱ ذی‌القعده سال ۱۳۳۲قمری است. من دل شکسته، نویسنده این کلمات، در حال گرسنگی به سر می‌برم و مدت بیست ساعت است که نتوانسته‌ام قوتی



بدست آورم تا با آن سد گرسنگی خود کنم، خداوند در کار همه گرفتاران گشایش فرماید. شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی سنه ۱۳۴۲قمری مدرسه قوام، یکی از مدارس مشهد جدم امیرالمؤمنین روحم فدای او باد». این تلاش مجاهدانه و از خودگذشتگی شگفت‌انگیز، سبب نجات بخش مهمی از میراث مکتوب جهان اسلام شد و آن‌ها را از غارت دشمنان اسلام حفظ کرد.

از آن‌ها افتاد. اما انجام این کار، آن هم با وجود تنگدستی شدیدی که دچار آن بود، بسیار سخت و دشوار به نظر می‌رسید. به همین دلیل، آیت الله مرعشی نجفی به تلاش و کار مضاعف رو آورد تا پول لازم برای خرید کتاب‌ها را بدست آورد؛ او برای این کار، به واقع از جان مایه می‌گذاشت. به غیر از کار در کارخانه برنج‌کوبی، پس از ساعت درس و بحث، از طریق درآمد نماز و روزه استیجاری هم،

هر چه زور می‌زند، روانپزشکی می‌کند، اما دیبای سابق نمی‌شود. انگار دیبای قبلی پای همان دستگاه زندگی اش له شد. پیچیده شد. می‌گوید خدا برای کسی نیاورد. آن روز سرکارگر و همکاران شوهرم یک ظرف یخ پر از استخوان با خودشان آورده بودند! می‌گفتند با ضجه و هوار دانه دانه‌اش را از کف سوله جمع کرده‌اند. دوستم که می‌رود، من هنوز هاج و واج توی حیاط مانده‌ام. توی یک شُشتم سرنگ و آمپول است و توی آن یکی، قصه زهردار دیبا. می‌دانم از عوارض ماندگار کرونا، سردی مغز هم هست و انگار این حال در

هر چه زور می‌شود، می‌فهمم فرای تصور به‌هم‌ریخته است؛ چون سر ضرب شروع می‌کند به درد دل. از چند ماه گذشته‌اش گفت که جهنم بوده. آن‌قدر بد آمده به سرش که فکر نکند دیگر بشود همان «دیبا»ی شوخ و شاد. او حرف می‌زند و من دنبال تهمانه‌ای از دیباجان خودمان می‌گردم که پیدا نمی‌کنم. از همسرش می‌گویم که پس از دو سال کار توی کارخانه، خرداد امسال سر یک بی احتیاطی دستش می‌رود توی دستگاه و از ناحیه آرنج قطع عضو می‌شود. می‌گویم روزگارش افتاده روی دور تند و نمی‌داند چرا

که تمام می‌شود، می‌فهمم فرای تصور به‌هم‌ریخته است؛ چون سر ضرب شروع می‌کند به درد دل. از چند ماه گذشته‌اش گفت که جهنم بوده. آن‌قدر بد آمده به سرش که فکر نکند دیگر بشود همان «دیبا»ی شوخ و شاد. او حرف می‌زند و من دنبال تهمانه‌ای از دیباجان خودمان می‌گردم که پیدا نمی‌کنم. از همسرش می‌گویم که پس از دو سال کار توی کارخانه، خرداد امسال سر یک بی احتیاطی دستش می‌رود توی دستگاه و از ناحیه آرنج قطع عضو می‌شود. می‌گویم روزگارش افتاده روی دور تند و نمی‌داند چرا

رقیه توسلی | یک‌ماه اخیر آدرسم شده اتاق مشاوره داروخانه چی‌ها. پس که رفتم آنجا و از کرونایی نالیدم که عوارضش نمی‌رود. مثلاً دردهای عضلانی‌اش ۹۰درصد بویایی و چشایی که ندارم. توی حیاط درمانگاه مشغول وارسوی جعبه داروهایم که می‌بینمش. اول باورم نمی‌شود خودش باشد که هست. آن‌قدر شکسته شده که یک آن فکر کردم خواهر بزرگ‌ترش است!

به تکیدگی صورت و چشم بی فروغش کاری ندارم، حال و احوال پرسى مختصرمان

نیمکت زنده گی

در معرکه رنج

منبر مجازی

خطرشناسی



حجت‌الاسلام انصاریان | یکی از رشته‌های معرفت، معرفت به خود است. از زمان‌های بسیار قدیم هم این خودشناسی مطرح بوده... جایی در کتاب‌ها دیدم ۲هزار سال پیش از میلاد مسیح یک معبدی در یونان ساخته بودند به نام معبد «دولف» من نمی‌دانم در لفظ یونانی دولف چه معنایی دارد.

سر در این معبد را یک مقدار پیشانی به طرف زمین داده بودند. روی این پیشانی یک سنگ صاف و تمیزی را نصب کرده بودند که هرکس می‌خواهد وارد معبد شود به ناچار چشم او به این سنگ بیفتد و روی سنگ کنده بودند که «خود را بشناس!». یعنی من اگر خودم را بشناسم، وجود خودم را به خس و خار و خاشاک نمی‌فروشم. وجود خودم را به جام طلا و حلبی نمی‌فروشم. وجود خودم را به جای مثلاً فیروزه، به خرمهره آبی رنگ نمی‌فروشم. من اگر خودم را بشناسم و قیمتم را بدانم، برابر با قیمتم خودم را می‌فروشم. به چه کسی بفروشم؟ «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» یعنی قیمت تو بهشت است و مشتری تو خداست. البته موسی بن جعفر یا امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: بهشت قیمت بدن توست. تازه قیمت روح ت نیست. قیمت روحت رضوان الله است. این رضوان الله حقیقتی است که مرحوم صدرالمতألهین در کتاب «اسرار الآیات» می‌گوید: روز قیامت لذتی که از چشیدن رضایت و رضوان الله قلب مردم می‌برد، از بهشتی که جسمشان لذت می‌برد بیشتر است و قابل مقایسه نیست.

وقتی خودم را نشناسم، خودم را به گناه می‌فروشم، به معصیت می‌فروشم، به پول حرام می‌فروشم... دلیل این ارزان فروشی و مفت فروشی، جهل به خود است. خودم را نشناختم. نه قیمت خودم را می‌دانم و نه جایگاه خودم را در این عالم می‌دانم. قرآن می‌گوید: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً». یعنی آنچه که در زمین است، برای سوددهی به شما آفریدم. یعنی تو از هرچه در زمین است بالاتر هستی و هرچه در زمین است باید هزینه تو شود. بالاتر از خودت چه کسی است؟ ... همه نعمت‌ها و همه زمین با هرچه که دارد باید هزینه تو شود و تو هزینه خدا شوی. یعنی او باید کمبود تو را جبران کند، تو هم باید کمبود خودت را با خدا جبران کنی. ... باید دقت کنیم که مثلاً این نگاه کردن، حق است یا باطل است؟ این شنیدن حق است یا باطل است؟ این ازدواج حق است یا باطل است؟ اگر این معرفت برای ما حاصل شود، کدام خطر می‌تواند به آدم زخم بزند؟ وقتی آدم خطرشناس باشد، خودش را از خطر نگه می‌دارد و زخم نمی‌خورد....